

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۴

۲۱۴

آینه پژوهش

سال سی و ششم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴

Ayeneh-ye-

Pazhoohesh

Vol.36, No.4

Oct - Nov 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

214

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

ایلیا گرشویچ / سید احمد رضا قائم مقامی | رسول جعفریان | سید علی میرافضلی | فاطمه شاملو | مریم حسینی
لیلا عبدی خجسته / سمیع الله | عبدالجبار رفاعی / محمد سوری | مجید جلیسه | امید طبیب زاده
الیو برانکافورته / روزچهر مصاحب | سید محمد حسین حکیم | آنتونیو پانایینو / لیلی وهرام
امیرخانی | حیدر عیوضی | زکی نجیب محمود / حمیدرضا تمدن | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی
حمید عطائی نظری | میلاد بیگدلو | علی راد | سیدرضا باقریان موحد | علی ایمانی ایمنی | جویا جهانبخش

لقبی اشکانی در سرود جان و اشاره‌ای به اصل لغت سارویه و سابقه نام تخت جمشید
نسخه خوانی (۴۲) | احمدشاد غزنوی و صدر کرمانی | محبوبیت سفرنامه‌های فرنک ناصرالدین شاه در
هندوستان متّحده | از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۳)
چاپ نوشت (۲۱) | سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه ولیک (۳)
سخنان حکمت آمیز زبان فارسی در سفر به غرب | وقفنامه‌ای از آخرین روزهای زندگی شیخ بهایی
دو گزارش نجومی از کارنامه اردشیر بابکان (۳: ۴-۷؛ ۴: ۶-۷) | ماجرا کم کن؛ گزارش بیتی از حافظ
آینه‌های شکسته (۱۱) | داستان احیای اندیشه فلسفی در مصر | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۶)
اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر | «و سخت عجب است کار گروهی از
فرزندان آدم!» | کتابی با عنوان حاصل الترجمان؟ | طومار (۱۳) | فیض گفتار نجف

کتاب شناسی دبیرستان البرز تهران

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش:

♦ قنیه الفتیان

♦ یادنامه استاد موسی اسوار



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش

Jap.isca.ac.ir

به یاد استاد روحانی

سلمان ساکت

به نام خداوند جان و خرد

دکتر محمود روحانی، قرآن پژوه نامدار، صاحب کتاب المعجم الإحصایی لألفاظ القرآن الکریم و استاد برجسته و ممتاز اپیدمیولوژی و آمار پزشکی بود. او در ۹ بهمن ماه ۱۳۱۵ در مشهد دیده به جهان گشود و در خانواده‌ای اصیل و در دامن پدری فقیه و صاحب نظر در علوم اسلامی پرورش یافت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مشهد پشت سر گذاشت و پس از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۳۴، در همان سال برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی به تهران رفت و در سال ۱۳۴۰ دوره پزشکی را با موفقیت به اتمام رساند. او که برای خدمت به مردم سر از پا نمی شناخت، در دوره آموزشی مالاریالوژی (شناخت بیماری مالاریا) شرکت کرد و در همان سال ۱۳۴۰ به عنوان اپیدمیولوژیست به استخدام اداره بهداشت استان تهران درآمد. سه سال بعد، داوطلبانه برای خدمت به هموطنان محرومش به سیستان و بلوچستان رفت و با پذیرش مسئولیت اداره بهداشت آن استان، خدمات شگرف و ماندگاری بویژه در زمینه کنترل و ریشه کنی بیماری مالاریا ارائه کرد. بعد از مدتی به تهران بازگشت و در سال ۱۳۴۵ تحصیل در دوره کارشناسی ارشد بهداشت عمومی را در دانشکده بهداشت دانشگاه تهران آغاز و یک سال بعد، مدرک MPH خود را در رشته مدیریت بهداشت عمومی با درجه ممتاز دریافت کرد. او که دل در گرو خدمت به مردمان محروم داشت، بلافاصله و در همان سال به استان خوزستان رفت و خدمات بهداشتی خود را در آن دیار ادامه داد. سپس به زادگاهش بازگشت و در سال ۱۳۴۸ در دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد استخدام شد. در همین سال به پای مردی استاد شهید، مرتضی مطهری، با فرزند استاد زنده یاد، محمد تقی شریعتی، ازدواج کرد و بدین گونه واسطه العقد رشته پیوند میان دو خاندان علم و فضیلت در خراسان، مطهری و شریعتی، شد.

او در سال ۱۳۵۰ به معاونت بیمارستان شهناز آن روز (بیمارستان قائم (عج) امروز) برگزیده شد که با هوش و درایت ذاتی و نیز با تکیه بر تجربه های مدیریتی خود، ساختار سازمانی آن مرکز درمانی را بسامان کرد و با نگارش کتاب توصیف جامعه شناسی نیروی انسانی در بیمارستان شهناز پهلوی دانشگاه مشهد، شیوه های دقیق و جامعی برای اداره آن بیمارستان به دست داد که البته قابلیت تعمیم به دیگر مراکز درمانی را داشت.

۴۸۳

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

او همواره در پی فراگیری و آموختن بود و می‌کوشید تا افق‌های تازه‌ای را فراروی خود بگشاید، از این رو در سال ۱۳۵۴ به بلژیک رفت و در دانشگاه بروکسل مشغول به تحصیل شد و پس از چندی با اخذ مدرک دکترای تخصصی بهداشت عمومی به ایران بازگشت و بلافاصله به سرپرستی آموزشگاه عالی مامایی و پرستاری (۱۳۵۵) و سپس معاونت دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد (۱۳۵۶) انتخاب شد.

او که از نوجوانی و جوانی فعالیت‌های دینی و مذهبی را پی گرفته بود، در این سال‌ها بیش از گذشته دل در گرو فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم پهلوی داشت، لذا در پاییز ۱۳۵۷ که زمزمه‌های پیروزی انقلاب از گوشه و کنار بلند شده بود، دستگیر و به زندان انداخته شد و تا مرز اعدام پیش رفت، اما از آن واقعه جان سالم به در برد و چندی بعد، پیروزی انقلاب را به نظاره نشست. با به ثمر نشستن انقلاب اسلامی و بازگشت امام خمینی (ره) به وطن، او در شمار نزدیکان مورد اعتماد امام (ره) قرار گرفت، تا آنجاکه در آن روزهای ملتهب و پرحادثه، یار غار و همراه همیشگی امام (ره) بود. در سال ۱۳۵۸ نامزد انتخابات اولین دوره مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی شد و به‌رغم جوانی، در کمال شگفتی رتبه نخست را در میان نمایندگان حوزه انتخابی خراسان و بیشترین آرا را در میان نامزدها در سراسر کشور به دست آورد. با تشکیل دولت شهید رجایی در سال ۱۳۶۰، به معاونت نخست‌وزیری و مشاور در امور اجرایی آن نهاد برگزیده شد. نظم و انضباط و رعایت اصول علمی در مدیریت سبب شد که همان سال به سمت وزیر بهزیستی (وزیر مشاور و رئیس سازمان بهزیستی کشور) انتخاب شود، اما خیلی زود دریافت که «قطار سیاست سرانجام خالی خواهد رفت»، لذا کناره گرفت و برای همیشه رخت خود را از دریای متلاطم و پرخطر سیاست بیرون کشید و تمام توش و توان خود را صرف آموزش و پژوهش در دانشگاه کرد.

آن سال‌ها قدر و قیمتش را در مشهد نیز می‌شناختند، از این رو رئیس وقت دانشگاه در سال ۱۳۶۳ او را به جانشینی خود در هیئت ممیزه دانشگاه برگزید. در همان سال مدیران ارشد آستان قدس رضوی نیز از او دعوت کردند تا به عضویت هیئت مدیره بنیاد پژوهش‌های اسلامی درآید. حضور او در این هیأت چنان پُربار و پُرثمر بود که دو سال بعد، از او درخواست کردند تا عضویت در هیئت مدیره بنیاد فرهنگی رضوی را هم عهده‌دار شود. او در سال ۱۳۶۷ به ریاست هیئت امنای دانشگاه امام رضا (ع) انتخاب شد، هرچند این دانشگاه به‌طور رسمی ده سال بعد تأسیس گردید.

تصمیم مهم و سرنوشت‌ساز کناره‌گیری از سیاست سبب شد تا او که از سال‌ها پیش به واسطه مشاهده مباحثات قرآنی استاد محمدتقی شریعتی با دیگران، بویژه فرزندش دکتر علی شریعتی، علاقه به قرآن پژوهی و دغدغه بهره‌مندی از علم آمار در پژوهش‌های قرآنی در ذهن و ضمیرش شکل گرفته بود، فرصت کافی برای پرداختن به این علاقه و دغدغه به دست آورد و بتواند بیش از پیش وقت خود را صرف تحقیقات قرآنی کند. بنابراین با شتاب بیشتری تدوین و تنظیم «فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم» را سامان داد و در سال ۱۳۶۸ آن را با نام المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم منتشر کرد.

انتشار این اثر، او را که در حوزه اپیدمیولوژی و آمار پزشکی، استادی می‌رز و نامدار بود، به عنوان دانشمندی دقیق‌النظر، سخت‌کوش، خلاق، نوآور، نکته‌سنج و ریزبین در پژوهش‌های قرآنی مطرح کرد. گذشته از شیفتگی و دلبستگی او به قرآن و شور و نشاطش در پژوهش‌های قرآنی، بی‌تردید تخصص اصلی‌اش یعنی آمار، در ارائه چنین کاری سترگ و برجسته نقشی مهم ایفا کرد، با این همه بی‌ارتباطی میان تخصص دانشگاهی او و پژوهش عرضه شده، سبب شد که در آغاز در محافل علمی و فرهنگی کشور چندان که باید و شاید ارج و قدر نبیند، اما خیلی زود ارزش آن بویژه در مجامع علمی خارج از کشور شناخته شد و همگان زبان به تحسین گشودند و از ویژگی‌ها و امتیازاتش گفتند و نوشتند، تا آنجا که علاوه بر ایران، در سراسر جهان انتشار آن، بازتابی کم‌نظیر داشت و در بسیاری از مجله‌ها و روزنامه‌های مشهور کشورهای مختلف، مقاله‌ها و یادداشت‌هایی در معرفی آن انتشار یافت.

ویژگی‌های اخلاقی دکتر روحانی کم‌مانند و گاه منحصر به فرد بود، رفتارش خوش و گفتارش دلنشین و در محافل خصوصی خوش‌بزم و نیک‌محضر بود، سخنش سرشار از لطف و مهر و نکته‌پردازی و لطیفه‌گویی بود، با زبان مزاح و شوخی، جدی‌ترین و ژرف‌ترین مطالب را بیان می‌کرد، اما در جمع‌های رسمی اغلب خاموشی برمی‌گزید، اگر هم مجبور به سخن گفتن می‌شد، کم و گزیده و سخته و سنجیده سخن می‌گفت. بسیار متشرع و پای‌بند به دین و آیین بود، اما به شدت از ریا و خودنمایی پرهیز داشت، اهل تعصب و جزم‌اندیشی نبود.

بسیار منظم و وقت‌شناس بود، اگر وعده می‌کرد، پیش از موعد سر قرار حاضر می‌شد، از این رو وقت‌ناشناسی و بی‌نظمی را بر نمی‌تافت و انتظار داشت که دیگران هم پاس وقت‌شناسی او را بدارند و به وعده و قول خود پای‌بند باشند. دیر و سخت به کسی اعتماد می‌کرد، اما اگر اعتمادش جلب می‌شد، به سختی رشته اعتمادش گسسته می‌شد. رقیق‌القلب و مهربان بود و تا

حدّ امکان از یاری و کمک به دیگران دریغ نمی‌ورزید و چه بسیار کمک‌هایی که پنهانی به افراد و مؤسسات نیکوکاری عرضه می‌داشت. قدر مهر و محبّت را می‌دانست. حافظه‌ای بسیار قوی داشت، بعید بود چیزی را فراموش کند. از هوش و ذکاوتی ذاتی برخوردار بود و در پشتکار و دقّت کمتر کسی به پای او می‌رسید.

دکتر روحانی در آموزش و شیوه معلّمی روشی خاص و منحصر به خود داشت. تدریس درس خشک و ملال‌آور آمار و آموزاندن درس سخت و دیریاب اپیدمیولوژی برایش چون آب خوردن بود. او این درس‌ها را چون موم در دستان خود سر و شکل می‌داد و به بهترین و گواراترین صورت به دانشجویان ارائه می‌کرد. جذاب و دلنشین درس می‌داد و از علاقه‌مند کردن دانشجویانش به این درس‌های پیچیده لذّت می‌برد. شیوه‌اش ابتکاری و تقلیدناشدنی بود. برای بیان دشوارترین مفاهیم از مثال‌ها، حکایت‌ها و داستان‌هایی بهره می‌برد که اغلب ساخته و پرداخته ذهن خلاقش بود. بدین‌گونه دیریاب‌ترین و دشوارترین مباحث برای همه دانشجویانش، با هر میزان استعداد و توانایی، ساده و آسان می‌شد. او اگرچه در سال ۱۳۸۶ بازنشسته شده بود و به‌ضرورت کلاس درس را ترک گفته بود، خاطره‌های تدریس و کلاس‌هایش تا مدت‌ها نقل محافل دانشجویانش بود.

۴۸۶

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

او به نشاط آموزشی باور داشت، از این رو حکایت‌ها و داستان‌های خود را با لطایف و ظرایفی خنده‌دار همراه می‌کرد، تا آنجاکه کمتر دقیقه و لحظه‌ای از کلاس بدون خنده و شادمانی دانشجویان سپری می‌شد. بدین‌گونه دانشجویان می‌خندیدند و می‌آموختند، گویی توأمانی خنده و آموختن در شیوه تدریس او گریزناپذیر بود. در این میان او به آموزش تفکر و اندیشه‌ورزی نیز توجه داشت و می‌کوشید در لابه‌لای درس‌ها، با ذکر خاطره‌ها و نکته‌های مهم و کاربردی، تجربه‌های خود را به دانشجویانش منتقل کند.

دکتر روحانی به مقام استادی و جایگاه دانشجویی باور داشت و به هیچ‌روی از نظم و انضباط دانشگاهی کوتاه نمی‌آمد. اگر کسی این نظم و جایگاه را - چه استاد و چه دانشجو - رعایت نمی‌کرد، برآشفته می‌شد و با تندی به او تذکر می‌داد. در این باره اهل تساهل و تسامح نبود. وظیفه خود می‌دانست که تا حدّ امکان از حریم دانشگاه و حرمت جایگاه استادی و دانشجویی محافظت نماید.

در آموزش و پژوهش مسأله‌محور بود، تنها به محفوظات بسنده نمی‌کرد، اصل و اساس آموزش را بر حل مسأله بنا کرده بود، از این رو در آزمون‌های درس‌هایی که تدریس می‌کرد، بردن کتاب و جزوه جایز بود. این مسأله‌محوری در ذهن و ضمیر خود او نیز ریشه دوانده بود، کافی است همان کتاب المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم را از نظر‌گذرانده و دلایل و ضرورت انجام

آن پژوهش را در مقدمه‌اش خواننده و پای صحبتش درباره پژوهش تازه‌ای که درباره قرآن سامان داده بود، نشست به‌اشیم، آنگاه دریابیم که چگونه به‌صورت آماری، شیوه و روش مفسران مختلف را از دیرباز تاکنون بررسی‌ده تان نشان دهد که هریک، سوره‌های قرآن را به چه شکل به واحدهای کوچک‌تر تقسیم کرده‌اند تا هر بخش، واحد معنایی مستقلی را در برگیرد.

حقیقت آن است که دکتر روحانی از سال‌ها پیش پژوهش درباره «مقاطع قرآن» را آغاز کرده بود، اما فراز و نشیب‌های روزگار و قدرناشناسی‌های رایج او را دلسرد کرده بود، شور و شوقش کم شده بود، دست و دلش چندان به کار نمی‌رفت، با این‌همه افتان و خیزان اما مداوم و پیوسته به کار مشغول بود. در کار با نشاط و سرزنده نبود، چراکه از اهتمام به چاپ و انتشار آن اطمینان نداشت. می‌ترسید که آن همه کوشش و همتی که به کار بسته و عمری که صرف کرده است، قدر لازم را نبیند و بی‌سرانجام در گوشه کتابخانه‌اش خاک بخورد. روحیه کمال‌طلبی‌اش نیز اجازه نمی‌داد که به نشر الکترونیک یا انتشار بی‌کیفیت و کم‌فروغ آن راضی شود.

او در سال‌های اخیر که به علت همراهی برخی از ارادتمندانش، دلش به کار گرم‌تر شده بود و امیدواری‌اش فزونی گرفته بود، با شور و شوقی وصف‌ناپذیر، همه وقت و توان خود را صرف اتمام این اثر مهم و ارزنده می‌کرد.

دکتر روحانی از معدود کسانی بود که به درستی و شایستگی قدر و ارزش خود را می‌دانست، البته نه از روی تبختر و خودبرتربینی و نه مانند تازه به دوران رسیده‌هایی که به ناروا جاه و مقامی به دست آورده‌اند، بلکه به شایستگی‌ها، توانایی‌ها، استعدادها، خدمت‌گزاری‌ها، کوشش‌ها و فضایل اخلاقی و انسانی خود آگاه بود و قدر و قیمت آن‌ها را می‌شناخت، لذا از یک سو به آسانی آن‌ها را فدای جاه و مقام و درم و دینار و تملق و چاپلوسی و چرب‌زبانی نمی‌کرد و از سوی دیگر، به آنان که این داشته‌ها و ارزش‌ها را حرمت نمی‌نهادند، واقعی نمی‌گذاشت. گویی همواره این سخن گران‌بها را پیش چشم داشت که: «خردمند کسی است که قدر و ارزش خویش را بداند.»

دکتر روحانی در ۲۰ مهرماه ۱۴۰۴ در حالی که کتاب ارزنده المعجم المعیاری فی مقاطع سور القرآن (فرهنگ مقاطع سوره‌های قرآن) در مراحل پایانی آماده‌سازی بود، بر اثر تصادف جان به جان‌آفرین تسلیم کرد و به‌رغم اصرارهای فراوان متولیان امر بویژه تولیت آستان قدس رضوی، بنا به وصیتش در بهشت رضا به خاک سپرده شد.

بی‌تردید او از نوادر روزگار ما بود.

سال شمار زندگی

۱۳۱۵	(۹ بهمن) تولد در شهر مشهد
۱۳۲۸	پایان تحصیلات ابتدایی در شهر مشهد
۱۳۳۴	اخذ مدرک دیپلم و پایان تحصیلات متوسطه در شهر مشهد
۱۳۳۴	ورود به دانشگاه علوم پزشکی تهران
۱۳۴۰	اخذ مدرک دکترا از دانشگاه علوم پزشکی تهران
۱۳۴۰	گذراندن دوره آموزشی مالاریولوژی
۱۳۴۰	استخدام در اداره بهداشت استان تهران به عنوان اپیدمیولوژیست
۱۳۴۳	ریاست اداره بهداشت استان سیستان و بلوچستان
۱۳۴۵	تحصیل در دانشکده بهداشت دانشگاه تهران برای گذراندن دوره کارشناسی ارشد بهداشت عمومی
۱۳۴۶	اخذ مدرک MPH با درجه ممتاز در رشته مدیریت بهداشت عمومی
۱۳۴۶	ریاست اداره بهداشت استان خوزستان
۱۳۴۸	استخدام در دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد
۱۳۴۸	ازدواج با خانم افسانه شریعتی (فرزند استاد محمدتقی شریعتی)
۱۳۵۰	معاونت مرکز پزشکی شهناز پهلوی (بیمارستان قائم (عج) فعلی)
۱۳۵۰	تولد اولین فرزند (الهام)
۱۳۵۴	اخذ مدرک دکترای تخصصی بهداشت عمومی از دانشگاه بروکسل (Dr.P.H.)
۱۳۵۵	سرپرست آموزشگاه عالی مامایی و پرستاری دانشگاه مشهد
۱۳۵۶	معاونت دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد
۱۳۵۶	تولد دومین فرزند (علی)
۱۳۵۸	نماینده اول حوزه انتخابی خراسان در اولین دوره مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی
۱۳۵۸	عضویت در هیئت رئیسه مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی
۱۳۶۰	معاونت نخست وزیر و مشاور در امور اجرایی نخست وزیری
۱۳۶۰	وزیر بهزیستی (وزیر مشاور و رئیس سازمان بهزیستی کشور)
۱۳۶۳	جانشین رئیس دانشگاه در هیأت ممیزه ارتقاء اعضای هیأت علمی دانشگاه مشهد
۱۳۶۳	عضویت در هیئت مدیره بنیاد پژوهش های اسلامی
۱۳۶۵	عضویت در هیئت مدیره بنیاد فرهنگی رضوی

۴۸۸

آینه پژوهش | ۲۱۴

سال ۳۶ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۴

۱۳۶۷	ریاست هیئت امنای دانشگاه امام رضا (ع)
۱۳۶۸	تألیف و انتشار کتاب تحسین شده المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم
۱۳۶۹	برگزیده شدن کتاب المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران
۱۳۷۰	برگزیده شدن کتاب المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم به عنوان کتاب منتخب دانشگاه های کشور
۱۳۷۰	برگزیده شدن کتاب المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم به عنوان برنده اول سومین جشنواره فرهنگی، علمی و ورزشی دهه فجر
۱۳۷۰	عضویت در هیئت امنای بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی
۱۳۷۲	ریاست کمیته تخصصی هیأت ممیزه دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۱۳۷۳	شخصیت علمی منتخب در بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی
۱۳۷۳	خادم برگزیده نشر قرآن کریم در دومین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم
۱۳۷۴	عضویت در هیئت امنای دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شرق کشور
۱۳۷۵	عضویت در شورای تحقیق و تکنولوژی استان خراسان
۱۳۷۶	عضویت در هیئت ممیزه مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۱۳۷۷	عضویت در شورای آموزش علوم پایه پزشکی، بهداشت و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۱۳۷۷/۲۰۰۰م.	سخنران برگزیده فستیوال مرکز فرهنگی اسلامی منچستر (Manchester)
۱۳۷۹	عضویت در هیئت نظارت بر انتخابات نظام پزشکی حوزه مشهد
۱۳۷۹	منتخب شورای شهر مشهد مقدس به عنوان شهروند نمونه در عرصه تحقیق و پژوهش
۱۳۸۲	عضویت در هیئت امنای دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی مشهد
۱۳۸۵	پزشک نمونه کشوری
۱۳۸۶	بازنشستگی از دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۱۳۸۷	استاد و محقق برگزیده و پیشکسوت دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۱۳۸۷	پیشکسوت علمی برگزیده استان خراسان رضوی
۱۳۹۳	چهره ماندگار سلامت در جشن بزرگ ثامن
۱۳۹۳	پیشکسوت برتر پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در جشنواره هفته پژوهش و فناوری
۱۳۹۸	(۱۵ بهمن ماه) ب رگزاری نکوداشت استاد از سوی بنیاد نَمی نخبگان و دیگر دستگاه ها در بیمارستان امام رضا (ع)

۱۴۰۲	(۲۶ تیرماه) برگزاری نكوداشت استاد از سوی مركز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه فردوسی مشهد
۱۴۰۴	(۲۰ مهرماه) درگذشت در اثر تصادف
۱۴۰۴	(۲۱ مهرماه) تشييع و خاکسپاری در بهشت رضا (ع) - مشهد